

تکمله ای بر یک خواستگاری پردردسر برای شرکتهای توزیع

تکمله ای بر یک خواستگاری پردردسر

بخش توزیع نیروی برق عنصری پرطرفدار

از بخش توزیع در دهه هفتاد به عنوان عنصر فراموش شده نام برده شد ولی این بخش طی دو دهه اخیر نه تنها عنصر فراموش شده نیست؛ بلکه طرفداران سینه چاک زیادی نیز پیدا نموده است و هر روز شاهد تصمیمات و منویات جدیدی برای این بخش از صنعت برق هستیم که به لحاظ ساده انگاشتن این بخش که نشأت گرفته از تفکر قدیمی سیمبانی و کمتر نویسی به آن بوده؛ باعث شده است شاهد همه نوع تصمیم و تصمیم گیرنده برای صنعت توزیع برق با تاثیرگذاری زیاد در ابعاد اجتماعی - اقتصادی و حتی سیاسی باشیم. در این مقاله سعی شده ضمن تحلیلی تاریخی بخش توزیع راه کارهایی برای برون رفت مطرح گردد.

بخش توزیع برق به لحاظ ماهیت شکلی و تاثیر گذاری مردمی مستقیم خود؛ از بخشهای بسیار مهم خدماتی کشور است که در صورت ایجاد ساختاری توانمند و با مشارکت بخش خصوصی می تواند در بهبود چرخه اقتصاد انرژی کشور نقش افرینی جدی و موثری داشته باشد. این بخش از صنعت برق در یک قرن اخیر شاهد گستره ترین تغییرات ساختاری بوده و از ساختاری کاملاً خصوصی تا ساختاری کاملاً دولتی را نیز تجربه کرده است. علیرغم اصلاحات و تغییرات متعدد ساختاری که در طول یک سده اخیر در بخش توزیع صنعت برق صورت گرفته است؛ متأسفانه نه تنها هیچ تحلیل مدونی در مورد دلایل موفقیت و یا عدم توفیق عملکردی هر یک از ساختارهای قبلی صورت نگرفته؛ بلکه به نظر می رسد این تغییرات ساختاری بدون هیچ نقشه راه و یا راهبردی منطبق بر سیاستهای کلی کشور؛ ادامه نیز داشته باشد. از آنجا که چشم انداز ۲۰ ساله کشور با افق سال ۱۴۰۴ و منویات اصل ۴۴ قانون اساسی؛ فصل الخطاب تمام برنامه های راهبردی در کشور است. تهیه و تدوین یک

نقشه راه دقیق و واقعی می تواند پاسخگویی متناسبی برای بخش توزیع برقی باشد که علیرغم وجود ظرفیتهای مناسب؛ با محدودیتهای زیادی از قبیل افزایش توقعات اجتماعی، پراکندگی و گستردگی تأسیسات، عملکرد غیراقتصادی، عدم سرمایه گذاری متناسب با نیاز واقعی بخش فوق، تلفات انرژی غیراستاندارد و عدم رشد تکنولوژیک و فن آوری و نرم افزاری متناسب با علم نوین جهانی، رشد فزاینده مصرف انرژی الکتریکی؛ فرآیندهای سیاسی مداخله کننده در تصمیم سازی های صنعت برق و بحث کیفیت برق در ارائه خدمات و صدها بحث دیگر، مواجه است. ضمناً در صورت جهت گیری و هدف گذاری مناسب و با پیش بینی لازم در نقشه راه فوق می تواند تصور اشتباه منشاء پولی و اعتباری داشتن وجود نارسایی ها در بخش توزیع را به تفکر استفاده بهینه از امکانات و سرمایه های موجود تبدیل نماید.

با توجه به مباحث ذکر شده؛ به منظور راهبرد صحیح بخش تاثیر گذار فوق در قالب منویات اصل ۴۴؛ برای بهبود ساختار تشکیلاتی و مالکیتی بخش توزیع صنعت برق پیشنهادی به شرح زیر ارائه میگردد.

۱ - وضعیت ساختاری کنونی:

شرکتهای فوق بر اساس مفاد قانون استقلال شرکتهای توزیع استانی مصوب ۱۳۸۴ مدیریت و اداره می شوند. در این شرایط؛ ۴۰ درصد از سهام شرکتهای فوق متعلق به شرکت توانیر بوده و ۶۰ درصد از سهام متعلق به شرکت صبا می باشد که البته ظاهراً تعدادی از سهام شرکت صبا به شرکت دیگری اخیراً واگذار شده است. بر اساس ساختار تکلیفی قانون فوق؛ وزارت نیرو باید به نحوی برنامه ریزی می

نموده است که ظرف مدت سه سال بعد از استقرار قانون فوق؛ سهام شرکتهای فوق به فروش برسد هم میزان سهام غیردولتی بیشتر از ۵ درصد نگردد.

۲- وضعیت ساختاری پیشنهادی:

قبل از هرگونه اقدامی برای تغییرات ساختاری و واگذاری؛ باید نقشه راه غلتان این شرکتهاتا چشم انداز ۱۴۰۴ تهیه ومورد اجماع قرار گرفته ومصوب گردد. در این چشم انداز؛ برنامه زمان بندی ومدل جداسازی مدیریت از مالکیت؛ بستر سازی برای امکان برون سپاری فعالیتهای کوچک سازی ومدل اقتصادی اداره توزیع وچگونگی مشارکت دهی بخش خصوصی تعریف میگردد. ضمنا به نظر میرسد با توجه به تفاوتهای فاحش درامدی-هزینه ای ومتغیرهای تاثیرگذار برانها؛ از قبیل ترکیب درامدی بخش های مختلف مصرف؛ تلفات؛ قدمت شبکه ها؛ روند توسعه؛ ترکیب نیروی انسانی؛ شرایط فنی بالادستی وحتى سطح انتظارات وتوقعات جامعه وذینفعان مرتبط؛ در آینده ای نزدیک امکان واگذاری شرکتی وبرای هراستان به صورت مجزا فراهم نیست وباید در فاز اول؛ یا به صورت بلوکی کشوری ویا در قالب بلوکهای منطقه ای تاحدودی همسان شده؛ فرایند واگذاری صورت پذیرد(مشابه کشور المان) ودر هر صورت برای اداره ومدریت متوازن بخش توزیع؛ یک شرکت مدیریت ومهندسی توزیع به صورت سهامی (با ساختاری مشابه شرکت بورس انرژی) تشکیل ووظایف بنگاه داری بخش توزیع برق را با طی فرایندها وایجاد ویژگیهای زیر بر عهده گیرد.

مدل مالی ارزش گذاری سهام در واگذاریها؛ می تواند به صورتهای زیر صورت پذیرد (O&O)(OP-&MBY R-BOT)(M&O) ویا.....

۱- حداقل تا انتهای برنامه ششم توسعه؛ به منظور اطمینان بخشی از تاثیر فرایند های تاثیر گذار اجتماعی؛ شرکت توانیر ویا هر مجموعه ای مرتبط با وزارت نیرو؛ دارای یک کرسی در هیات مدیره این شرکتهاباشد(مشابه کشور فرانسه)

۲- مابقی سهام(سهام صبا وسهم توانیر)در هر منطقه ترکیب شده توزیع؛ به صورت سهام ترجیحی؛ بلوکی محدود وعرضه عمومی با نسبتی که حداقل تا انتهای برنامه ششم سهم هر قسمت بیشتر از ۵۰ درصد نشود(چه واسطه ای وچه بدون واسطه).

۳- اهلیت ساختاری وفرایندی ومدیریتی متقاضیان سهام بلوکی توسط قانون تعریف میگردد

۴- وزارت نیرو جایگاه حکومتی وتنظیم کننده روابط ذینفعان را برعهده دارد. این وظیفه کاملا حکومتی بوده وبار مالی تصمیمات ودستورات احتمالی در نظر گرفته وتامین می نماید

۵- شرکت فوق می باید در یک برنامه زمانی مشخص؛ نسبت به جدا سازی بخش بازرگانی توزیع برق از بخش سیمداری اقدام وبستر سازی لازم برای برون سپاری را فراهم نماید

۶- امکان عرضه سهام بخش توزیع در بورس در قالب یک برنامه زمانی مشخص فراهم گردد

۷- منطق مالی وخرید وفروش برق در شرکت فوق بر اساس شرایط حاکم بر بازار بورس انرژی وقوانین ومقررات وتنظیمات مربوطه است و اجرای هر دستوری حاکمیتی که بار مالی دارد منوط به پیش بینی منابع واقعی وتامین آن توسط مراجع دستور دهنده است

۸- شرکتهای خدماتی خصوصی و صلاحیت دار؛ وظایف بخشی و تخصصی شرکت فوق را در نقاط مختلف انجام می دهند

۹- نظام حاکم بر مدیریت این شرکت؛ نظام حاکم بر قانون تجارت می باشد

۱۰- این شرکت یک نوع شرکت هلدینگ و انسجام دهنده است که ساختاری غیردولتی داشته و عمدتاً وظیفه ارتباطات برون سازمانی بخش توزیع را هماهنگ می نماید

۱۱- نرخ خدمات در این شرکتهای؛ به صورت منطقه ای - رقابتی مشخص و تحت کنترل قرار میگیرد

همانگونه که عنوان گردید بدون وجود یک نقشه راه مدون و انعطاف پذیر که در آن برنامه ها؛ راهبردها و جایگاهها بخش توزیع تبیین شده باشد؛ امکان توسعه ساختاری بخش توزیع برق کشور فراهم نیست و پیشنهاد میگردد به لحاظ تاثیر اجتماعی این بخش؛ از هرگونه عجله؛ مناقشه و سلیقه ورکود زنی معمول ساختاری برای این بخش جدا خود داری گردد و هر برنامه اجرایی براساس راهبرد کلانی باشد که قبلاً درباره آن فکر شده است.

نگارنده اعتقاد دارد علیرغم طناب کشتی های موجود و طرفداران زیاد این بخش از صنعت برق؛ هنوز بخش توزیع یک عنصری است که به صورت ماهوی به آینده پژوهی آن پرداخته نمی شود.

سعید مهذب ترابی